



جلسه بی نتیجه کی روش  
و هیات رئیس فدراسیون فوتبال  
**بازی**  
**اصرار وانکار**

صفحه ۱۴



## تئیه های امروز

واکنش فرماندهان نظامی به اظهارات جان کری درباره محدودیت های موشکی ایران

## وزیر دفاع: کری حرف مفت نزند



صفحه ۲

رئیس اتاق بازرگانی ایران:

## هر ساعت ۱۵۰ نفر بیکار می شوند

صفحه ۳

## پنجشنبه سر نوشت

## برای حج تمتع ۹۵

صفحه ۴

اعتراض به واگذاری موزه هنرهای معاصر

## تجمع هنری ها در پارک لاله

صفحه ۱۲

## گزارش امروز

مجریان مصوبه آزادسازی سواحل خزر همان متصرفان هستند!

## سیم خاردار دولت دور ساحل!

مهدی جابری: مردم عادی اگر بخواهند برای تفریح و کسب آرامش راهی ساحل شوند، با سیم خاردار، دیوار بتنی و تابلوی «ورود ممنوع» مواجه می شوند، چراکه بخش قابل توجهی از ساحل در اختیار این دستگاه ها است؛ وزارت جیم و زیرمجموعه، وزارت نون و شرکت های تابعه، وزارت کاف و شرکاء سازمان میم و دیگران! به گزارش «وطن امروز» آیین نامه اجرایی آزادسازی حریم ساحلی دریای خزر اردیبهشت ۸۸ به تصویب هیات وزیران رسید؛ آیین نامه ای که استناد آن به ماده ۶۳ قانون برنامه چهارم توسعه مصوب ۱۳۸۳ است و در ماده یک این آیین نامه آمده: آن دسته از دستگاه های دولتی و نهادهای عمومی که در حریم ۶۰ متری ساحل دریای خزر دارای مستحقات هستند موظفند پس از تعیین و اعلام این حریم با هماهنگی وزارت کشور... اقدام به عقب نشینی کامل نمایند. وزارت کشور نیز موظف است زمینه آزادسازی ساحل مزبور از تصرفات دولتی و نهادهای عمومی را با رعایت قوانین و مقررات مربوط فراهم نماید. این آیین نامه اما با گذشت ۷ سال از تصویب در هیات وزیران و به رغم کسب خوردن اقدامات مقدماتی، به فراموشی سپرده شده و گویا برخی منافع حزبی، دولتی و غیر عمومی مانع اجرای آن است. در حال حاضر ۳۰ درصد سواحل مازندران در تصرف دولت است؛ دولتی که مطابق قانون باید حریم ساحل را از تصرفات و ساخت و سازها آزاد کند. ۶۰ درصد ساحل نیز با ساخت و سازهای بخش خصوصی و برخی خوش نشین ها و آقا زاده ها اشغال شده و فقط نامناسب ترین نقاط ساحل برای استفاده عموم آزاد است. یعنی تقریباً ۱۰ درصد کل سواحل استان های شمالی.

## سیم خاردار دولت!

مقداد نجف نژاد، نماینده مردم بابلسر در مجلس شورای اسلامی در گفت و گو با «وطن امروز» اظهار می دارد: عموم مردم حق دارند از ساحل دریا برای گردشگری و تفریح بهره ببرند اما سیم خاردارها، دیوارهای بتنی و موانع متعددی که توسط نهادهای دولتی و خصوصی ایجاد شده، این امکان را از مردم سلب کرده است. وی با اشاره به مصوبه سال های گذشته مجلس برای تشکیل «سازمان عمران سواحل» می افزاید: متأسفانه دولت اراده ای برای اجرای این مصوبه مجلس ندارد و...

ادامه در صفحه ۵

ارنست مونیز: رئیس جمهور بعدی آمریکا به لحاظ فنی می تواند برجام را پاره کند!

# کاغذ پاره!

وزیر خارجه آمریکا از آغاز رایزنی ها برای همکاری مشترک ناتو با شورای همکاری خلیج فارس خبر داد

صفحه ۲



## کلاغ های رنگ شده

امیر استکی

برای مثال اکبر هاشمی رفسنجانی در پناه راه باز شده برای ملت به ریاست مجلس، ریاست جمهور و... و در یک کلمه به امکان بهر مندی از قدرت سیاسی دست یافت و اکنون و در قامت یک سیاستمدار محافظه کار اصلی ترین حامی حفظ ساختار الیگارشیک- حال به بهای نفی و طرد و تغییر هر ارزش توافقی شده انقلابی که باشد- شده است.

در نزد وی مهم حکومت کردن آنهاست و اگر احساس شود ارزش و آرمانی ناقص این اصل اساسی است براحتهی قابل تغییر و نادیده گرفتن است. اگر بدون موشک می شود ما بمانیم و ادامه دهیم موشک باید برسد. اگر با برجام ها می شود ماند پس سلام بر برجام ها به هر قیمتی و بر اساس لگدمال شدن هر آرمانی. تردیها و تکذیبها هم همه مربوط به برزخ بین مراحل دوم و سوم است.

اگر چه این به معنای آن نیست که هیچ ساختار بازدارنده ای در برابر این مسیر نیست؛ به وضوح ساختارهای اجتماعی-سیاسی- مذهبی زیادی در برابر بقای این الیگارشی و فدا کردن همه چیز برای حفظ خود توسط آن در حال مبارزه و مقاومت هستند. منتها مصادره به مطلوب بسیاری از معضلات و مشکلات جامعه ایران توسط آنها و ایجاد این زمینه که حل صورت مساله تنها راه حل معضلات کنونی جامعه است به پیشبرد پروژه ماندن الیگارشی یاری می رساند. به عبارت ساده تر بخش بروکراتیک و ساختارهای جمهوری اسلامی در سال های پس از انقلاب با تردستی علاوه بر فراقتنی درباره نقش خود در محقق نشدن بسیاری از ایده آل ها و ایجاد بسیاری نارسایی ها در سطح جامعه کنونی، به نوعی دارد همه تقصیرها را به گردن بخش نرم افزاری انقلاب می اندازد. به عبارتی با حجه به آرمان ها و اصول و دال های محوری انقلاب اسلامی ۲ هدف همزمان را دنبال می کند:

۱- جا زدن الیگارشی سابق الذکر به عنوان محتمل ترین آلترناتیو سیاسی انقلاب!  
۲- پیشبرد استراتژی تغییر دال ها که در نهایت باید به روی کار آمدن یک آلترناتیو سیاسی دیگر منجر شود.

در تحلیل نهایی این الیگارشی ثروتمند به دنبال راهی است که پیروزمندانه نقاب تظاهر مرحله دوم را به دور اندازد و براحی و بدون مزاحمت ساختارهای ایدئولوژیک و ارزش ها به تمتع از اندوخته سالیان دراز خود بپردازد.

محور دال های ارزشی خاصی شکل گرفته است با یک سیستم حکمرانی فقط متمرکز بر اداره امور جاری یک کشور تفاوت های زیادی خواهد داشت و در اصل حالت یاد شده بیشتر مبتلا به این چنین نظام های سیاسی ارزشی خواهد بود. چنین نظام هایی در گذر زمان ۳ حالت به خود می گیرند:

۱- همواره به دنبال ارزش ها و آرمان های خود بر اساس رویکردهای تغییر پذیر خواهند بود.  
۲- نجسگان حاکم در ظاهر به آرمان ها پایبند و در عمل فقط به دنبال ادامه حکمرانی و حفظ قدرت خواهند بود.  
۳- دست به بازنگری اساسی آرمان ها و ارزش ها برای مشروع ساختن بقای نظام سیاسی می زنند.

۲- نجسگان حاکم در ظاهر به آرمان ها پایبند و در عمل فقط به دنبال ادامه حکمرانی و حفظ قدرت خواهند بود.  
۳- دست به بازنگری اساسی آرمان ها و ارزش ها برای مشروع ساختن بقای نظام سیاسی می زنند.

۱- همواره به دنبال ارزش ها و آرمان های خود بر اساس رویکردهای تغییر پذیر خواهند بود.  
۲- نجسگان حاکم در ظاهر به آرمان ها پایبند و در عمل فقط به دنبال ادامه حکمرانی و حفظ قدرت خواهند بود.  
۳- دست به بازنگری اساسی آرمان ها و ارزش ها برای مشروع ساختن بقای نظام سیاسی می زنند.

روزنه  
در علم مدیریت معروف است که سازمان ها مدتی پس از شکل گیری، اهداف اولیه خود را به محاق فراموشی می سپارند و بر حفظ و گسترش ساختار خود متمرکز می شوند. بررسی سطحی بسیاری از سازمان ها و تشکلهای قویا این نکته را تایید می کند. سازمان هایی که می توانند از یک تشکل مردم نهاد ساده تا در سطحی وسیع تر یک نظام سیاسی را شامل شوند. به نظر نگارنده پیچیده شدن بروکراسی یک سازمان که در متن خود شبکه به هم تنیده ای از منافع و وابستگی های متقابل را ایجاد می کند عامل محوری شکل گیری این رویه است. هنگامی که اهداف سازمان در تضاد با منافع دانه درشت های بروکراسی قرار می گیرد آنچه براحی می تواند قربانی شود اهداف و آرمان های سازمان است. البته سوال اساسی اینجاست که چرا یک سازمان در برابر چنین استتال های مقاومت نمی کند؟ در پاسخ باید گفت سازمان ها اگر دارای ساختارهای گفت و گوی ارزشی باشند طبعاً در برابر این مساله مقاومت خواهند کرد و بسته به شدت و ضعف این ساختارهای یادآور، مساله توقف اهداف و تمرکز بر حفظ موجودیت بروکراتیک سازمان تحت تاثیر قرار خواهد گرفت.

در بسیاری از سازمان ها (سازمان به معنای اعم کلمه) بروکراسی ایجاد شبکه ای از وابستگی های متقابل می کند که به نوعی همه را در برابر حفظ منافع شبکه مطیع خواهد کرد. حالتی را در نظر بگیرید که تعطیلی یک سازمان از کارکرد افتاده ایجاد خواهد کرد؛ در این حالت بسیاری از اعضا و شاغلان خود را در برابر قطع رشته های منافع خود می بینند و بشدت در برابر تغییر مقاومت خواهند کرد. از پایین ترین اعضا که بسادگی فقط بیکار می شوند تا اعضای مراتب میانی و بالایی که علاوه بر بیکاری (که شاید برای آنها در درجه اول اهمیت نباشد) از یک پرسوه رشد و پیشرفت و تحرک کاری خارج می شوند، از این تغییرات زیان خواهند دید و همینجاست که اعضا و ذی نفعان دانسته در برابر هر آنچه شرایط فوق الذکر را ایجاد خواهد کرد مقاومت خواهند کرد. حال اگر نظام های سیاسی را هم در معنای وسیع کلمه نوعی سازمان در نظر بگیریم می توانیم در بررسی آنها منظر گاهی مفید داشته باشیم. حکومتها در مواجهه با چنین شرایطی چه می کنند؟ نکته اساسی در اینجا این است که یک نظام سیاسی که حول

## خزان زودرس برجام

علی اکبر عباسی

هرچند اعضای تیم هسته ای و مسؤولان بلند پایه دولت همچنان تلاش می کنند انواع نقص ها و کاستی های برجام و بدعهدی های مکرر طرف غربی را به انحای مختلف توجیه کنند و ظاهراً قرار نیست به این راحتی از رو برونند اما به نظر می رسد بعد از گذشت ماه ها از اجرای شدن برجام و بی تاثیری آن در فضای واقعی، خودشان هم به مرور متوجه شده اند این گذشت زمان عواقب خوبی برای شان نخواهد داشت و هر مقدار که بیشتر می گذرد به ضرر آنها خواهد بود. هنوز چند ماهی از اجرایی شدن برجام نگذشته که از یکسو بدعهدی ها و دیه های جدید طرف مقابل و از سوی دیگر بی فایده بودن و در واقع خسارت بار بودن برجام در حال روشن شدن است. هرچه زمان می گذرد به ضرر دولت است، چرا که گذشت زمان هیچان های کاذبی را که لشکر رسانه ای و تیم عملیات روانی دولت در جامعه پمپاژ کرده بود با خود خواهد برد و به مرور بردهای تصنعی که توسط دولتی ها روی واقعیت های مربوط به برجام پوشانده شده بود فرسوده خواهد شد به طوری که تضمینی وجود ندارد که بردهایی که آنها روی واقعیت های برجام پوشانده اند و در اسفند ۹۴ برای آنها کارآمد بود، بتواند آفتاب سوزان تابستان ۹۵ را هم تحمل کند و در خرداد ۹۶ نیز بار دیگر برای شان به کار آید! «گر برجام نبود یک بشکه نفت هم نمی توانستیم صادر کنیم»، «بسیاری از مردم، پیروزی و موفقیت دولت در توافق هسته ای و برجام را نمی فهمند»، «آفتاب تابان» خواندن برجام، به ناگاهی متهم کردن رئیس جمهور اتریش پیرامون سوئیفت و... همگی تناقض گویی هایی هستند که عامل بیان آنها، بیش از هر چیز ذوق زدگی های غیر طبیعی برای مذاکره با غرب و اعتماد غیر عقلانی به دشمن است. این ادبیات مضحک و البته تلخ، نتیجه روحیه عصبانی کسانی است که پاسخ انتقادهای دلسوزانه منتقدان در طول ۲ سال و نیم اخیر را با پر خاش و اهانت و برجسب زنی دادند و همچنان هم تصور می کنند با هتاک می منتقدان می توانند عهد شکنی و خصومت های طرف غربی را لاپوشانی کنند.